

## حقوق شهروندی در عمران و بهسازی شهری

حقوق را با مشارکت شهروندان تشدید کرده است. حکمروایی شایسته شهری، به عنوان متأخرترین رویکرد در اداره امور شهرها که در اواخر دهه ۸۰ نظریه پردازی شده است، به معنای اثرگذاری همه ارکان مؤثر شهری بر مدیریت شهر با تمام سازوکارهایی است که رو به سوی تعالی شهر و شهروندی داشته باشد؛ و در مقابل نگاه سنتی قرار دارد که در آن عرصه حکومتی اختیاردار دو عرصه عمومی و خصوصی است. این حکمروایی زمانی محقق خواهد شد که دولت محلی شهری توانایی همکاری و شراکت با بخش خصوصی و نهادها و سازمان‌های جامعه مدنی را برای اداره امور محلی داشته باشد (تقوایی و تاجدار ۱۳۸۸). ویژگی کلیدی شهروندی، به عنوان یکی از اصول برشمرده شده برای حکمروایی شایسته شهری از سوی کمیته اسکان بشر سازمان ملل متحد (Auclair and Jackohango 2009) که آن را از تابعیت صرف متمایز می‌کند، اخلاق مشارکت است.

شهروندی موقعیتی فعال و ناسازگار با سلطه است. شهروندی فعال با فرد آغاز می‌شود چرا که بازتولید و بهبود شرایط ساختار شهروندی از طریق اقدامات فردی تحقق می‌یابد. بنابراین، اصلاحات سیاسی باید با هدف بهبود فرصت‌های شهروندان برای اعمال حقوق و وظایف خود و به وسیله اخلاق مشارکت صورت گیرد (هاشمی و دیگران ۱۳۸۸). تغییر بنیادی در نگرش موجود به موضوع شهروندی نیازمند اصلاحات حقوقی و سیاسی به نحوی است که فرصت حضور و مشارکت شهروندان برای اعمال حقوق و وظایفشان فراهم آید. بدین منظور توسعه ایده ایجاد نهادهای شهری، که محل همکاری شهروندان در خلق دموکراسی و شیوه‌های زندگی به شمار می‌روند، یکی از اصلی‌ترین اقدامات در جهت مداخله همه شهروندان با زمینه‌های متفاوت در امور شهری و تحقق شهروندی فعال خواهد بود.

حقوق شهروندی آن بخش از حقوق اساسی است که در قانون اساسی هر کشوری شکل «ملی» به خود می‌گیرد و فقط شامل حال شهروندان همان کشور می‌شود. حقوق شهروندی دربردارنده هر سه نسل حقوق بشری است: حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی-اجتماعی، و حقوق همبستگی. در واقع، حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، و در برابر شهر و دولت و همچنین حقوق و امتیازاتی که تأمین آنها بر عهده مدیران شهری، دولت و به طور کلی حکومت است. شهروندی پایگاهی است متعلق به همه افراد عضو اجتماع که دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند (نجاتی حسینی ۱۳۸۰). با وجود اتفاق نظر در مورد اهمیت و ارزش شهروندی، فقدان ایده‌ای مشخص در باب چیستی و دامنه مفهوم حقوق شهروندی منجر به آن شده که حداقل حقوق به عنوان پایه مطالبات حقوق شهروندی پذیرفته شود و هر جامعه‌ای با توجه به شرایط و اقتضائات خود به بسط کمی و کیفی آن بپردازد.

تطور در نقش حوزه حکومتی و دولت در فرایند برنامه‌ریزی شهری در جهان از دهه ۵۰ سده بیستم تا هزاره جدید، که با گذار از حکومت قاهر مرکزی و اعطای اختیارات و مسئولیت‌ها به نهادهای حکومت محلی، واگذاری فرایند تصمیم‌سازی به نهادهای اجتماعی و شهروندان، و ایفای نقش دولت به عنوان «همکار» در فرایندهای توسعه شهری همراه بوده است، ضرورت «بازتعریف مفهوم شهروندی و حقوق شهری» را مطرح کرده است. همچنین فقدان حقوق شهری مشخص و تعریف‌شده برای شهروندان در قوانین در حوزه توسعه شهری به طور عام و حوزه طرح‌ها و برنامه‌های موضعی و موضوعی به طور خاص، و نیز برخوردار نبودن حقوق مفروض در متن قوانین از ضمانت اجرایی لازم، نیاز به بازتعریف و تدقیق در این